



## زبان مادری و اهمیت آن در ابعاد اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، هویتی و همبستگی اجتماعی

### در بزرگداشت از روز بین المللی زبان مادری

اداره یونسکو ملل متحد از سال ۲۰۰۰ م. بدینسو همه ساله ۲۱ فبروری را بحیث روز جهانی زبان مادری تجلیل مینماید. از نظر این سازمان، اهمیت تجلیل از روز زبان مادری در آن است که زبان یکی از فکتور های حفظ میراث های فرهنگی در جوامع اند که در آنها کثرت زبان، کلتور رنگین و تعدد گروه های متنوع اتنیکی وجود دارند. البته با تنوع ارزشهای معنوی در زبان و کلتور، همه افتخارات را با زبان های مادری میتوان حفظ نمود.

«زبان مادری نخستین نظام ارتباطی است که انسان از طریق آن جهان پیرامون خود را درک می‌کند، می‌اندیشد و با دیگران رابطه برقرار می‌سازد. زبان تنها وسیله انتقال پیام نیست، بلکه حامل معنا، ارزش، تاریخ، فرهنگ و هویت جمعی یک جامعه است. از دیدگاه زبان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و علوم سیاسی، زبان مادری نقشی بنیادین در شکل‌گیری شخصیت فردی و انسجام اجتماعی ایفا می‌کند.» در دهه‌های اخیر، توجه علمی و آکادمیک به زبان مادری به‌عنوان یک حق انسانی، ابزار توسعه پایدار و عامل ثبات اجتماعی افزایش یافته است. این نوشتار به بررسی اهمیت زبان مادری از چهار بُعد اساسی اجتماعی، فرهنگی، هویتی و سیاسی می‌پردازد.

در بسیاری از اسناد حقوقی بین المللی حق آموزش به زبان مادری برای اقلیت های اتنیکی، مانند ماده ۳ و ۲۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر اعلامیه جهانی حقوق زبانی، بندهای ۳ و ۲۷، ماده ۴، ماده ۳۰ کنوانسیون ۱۹۹۸ حمایت حقوق طفل، ماده ۲۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و... مورد تاکید قرار گرفته است.

زبان مادری ارتباط مستقیم با عدالت اجتماعی دارد. محروم‌سازی گروه‌های زبانی از استفاده رسمی یا آموزشی از زبان مادری، می‌تواند به نابرابری آموزشی، حاشیه‌نشینی اجتماعی و کاهش فرصت‌های اقتصادی منجر شود. غیر قابل انکار است که نظام‌های آموزشی تک زبانی در جوامع با تکثر زبانی اغلب باعث افزایش ترک تحصیل، بحرام آموزشی و و انزوای اجتماعی اقلیت‌های زبانی – قومی می‌شوند.

از جانب دیگر این واقعیت تثبیت گردیده است که به رسمیت‌شناختن زبان‌های مادری می‌تواند به تقویت همبستگی اجتماعی کمک کند. وقتی گروه‌های مختلف احساس کنند که زبان و فرهنگشان محترم شمرده می‌شود، تعلق اجتماعی آن‌ها افزایش می‌یابد و زمینه همزیستی مسالمت‌آمیز تقویت می‌گردد.

زبان مادری را باید بحیث اندوخته بزرگ ادبیات شفاهی، ضرب‌المثل‌ها، افسانه‌ها، ترانه‌ها، و باورهای سنتی تلقی نمود زیرا همگی از طریق زبان مادری منتقل می‌شوند. فشار و برخورد تبعیضی نسبت با یک زبان (ها) به معنای نابودی بخش بزرگی از میراث فرهنگی یک اجتماع میباشد.

زبان مادری یک بستر مطمئن برای خلاقیت ادبی و هنری است. شاعران، نویسندگان و هنرمندان، عمیق‌ترین احساسات و اندیشه‌های خود را در زبان مادری بیان می‌کنند. حمایت از زبان مادری به معنای حمایت از تولید فرهنگی اصیل و پویایی فرهنگی جامعه است.

از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، زبان مادری یکی از ارکان اصلی هویت فردی است. انسان از طریق زبان مادری، «خود» را تعریف می‌کند و احساس تعلق به یک گروه اجتماعی پیدا می‌نماید. محرومیت از زبان مادری می‌تواند به بحران هویت، احساس بی‌ریشگی و کاهش عزت نفس منجر شود که اطفال و نوجوانان می‌توانند از این ناحیه بیشتر آسیب پذیر گردند.

نباید بدین واقعیت بی توجه بود که تحمیل یک زبان واحد، بدون توجه به تنوع زبانی، اکثرن ابزاری برای تمرکز قدرت و حذف صداهای دیگر بوده است. بدون شک در نظام‌های سیاسی که تنوع زبانی را به رسمیت می‌شناسند، معمولاً از ثبات سیاسی و مشروعیت بیشتری برخوردارند.

این هم یک شرط اساسی مشارکت مؤثر شهروندان در یک روند دموکراتیک است. وقتی شهروندان بتوانند به زبان خود رأی دهند، اعتراض کنند، یا خواست‌های حقوقی و مشروع‌شان را بیان نمایند، احساس تعلق سیاسی و مسئولیت مدنی نسبت به جامعه افزایش می‌یابد.

زبان مادری جنبه‌های سنتی جامعه یعنی شیوه رفتار، عادات و باورهای سنتی یک گروه اتنیکی را در قالب کلمات یا مفاهیم عامیانه بیان مینماید که در واقعیت داشته‌های تاریخی و میراث فرهنگی اند که از نسل‌ها بیکدیگر انتقال نموده اند.

موضوع زبان مادری را نباید تنها بحیث یک مسأله ذوقی و یا با کلمات زیبا متبازل ساخت و یا بحیث یک وسیله سیاسی از آن بهره‌گیری نمود، بلکه آنرا بحیث یک حق داشتن ارزش تاریخی، حق طبیعی، حق اجتماعی، حق اساسی بشری و حق سیاسی به بحث، تحلیل و نتیجه‌گیری گرفت و مسئولانه بدان برخورد نمود. همچنان باید اهمیت موضوع را در روی دیگر مسأله نیز مورد توجه قرار داد و آن این است که:

- یک طفل حق دارد تا بدون محدودیت آموزش و میدان مکالمه، با همان زبانان مادری اش مواجه نگردد.

- زبان مادری وسیله تبارز و تبادل احساسات درونی با فرد و جامعه است که متعلق به همان جامعه و گروه اتنیکی بوده خود با همزبانان خود تبادل، مفاهیم، معانی، رابطه و احساس مینماید.

- زبان مادری مقدمترین، کاراترین و موثرترین وسیله رشد ذکاوت، استعداد و انکشاف مغزی فرد است.

- زبان مادری وسیله شناخت کلتور، فرهنگ و سائر بخش‌های روان اجتماعی است که فرد در آن به انکشاف جسمی و روانی خویش نایل گردیده است.

- زبان مادری بحیث بخشی از روان اجتماعی تعیین‌کننده بخشی از کرکتر اجتماعی فرد میباشد.

- زبان مادری وسیله حفظ و تداوم رسوم، عنعنات و افتخارات تاریخی یک گروه اتنیکی است.

- بلاخره زبان مادری بخشی از هویت و اتکای روانی فرد در اجتماعی است که از زاویه همان هویت و ارزش اجتماعی اش داخل ارتباط اجتماعی میشود و در آن مناسبات خود را روان مصئون احساس مینماید.

پس زبان مادری عبارت از وسیله شناخت و درک اولین پدیده ها و مفاهیم اند که انسان از طفولیت و قبل از آموزش مکتبی آنها را فرا میگیرد ، بدان فکر میکند، تصورات اش را شکل میدهد و تبارز احساسات در رابطه اجتماعی مینماید.

میرهن است که در کشور کثیر القومی وباموجودیت بیشتر از ۱۵ قوم با زبانهای مختلف ، موجودیت زبان های محلی و مادری این مردمان بخشی از تاریخ ، کلتور و فرهنگ پر غنا و افتخار آمیز ملی ما را تشکیل میدهند . ارجگذاری، حرمت و پذیرش حق حفظ، تداوم و انکشاف زبان های مادری خود بیان داشتن احساس ملی و اندیشه فراقومی و فرا زبانی، ملت مشترک، کلتور مشترک و وجوه ملی مشترک ما میباشد. پذیرش ارزش های متذکره تنها در فکر و اندیشه ملی، داشتن غرور و افتخار ملی تبلور کرده میتواند.

در اوضاع کنونی تحت حاکمیت طالبان علی الرغم این که هیچگونه تشبث علمی و اکادمیک در مورد حفظ و انکشاف زبانهای افغانستان نمیگردد، بلکه زبانهای دیگر در کشور، بخصوص در ادارات دولتی تحت فشار و مورد تبعیض قرار دارند. تغیر در نامها، لوحه ها و نامگذاری محلات و استفاده تنها یک زبان رسمی و ملی در امور رسمی دفتری بیان یک فشار خموش در برابر زبانهای دیگر است.

نباید از این واقعیت پیشگیرناپذیر چشمپوشی نمود که هر گونه فشار و محدود سازی در استفاده، حفظ و انکشاف زبانهای دیگر فروپاشی احساس اعتماد به یک جامعه متحد کثیر القومی -زبانی را غیر قابل اجتناب میسازد و در نهایت شکل گیری یک «مقاوت خموش» را بحیث ضرورت زمان مستدل میسازد.